

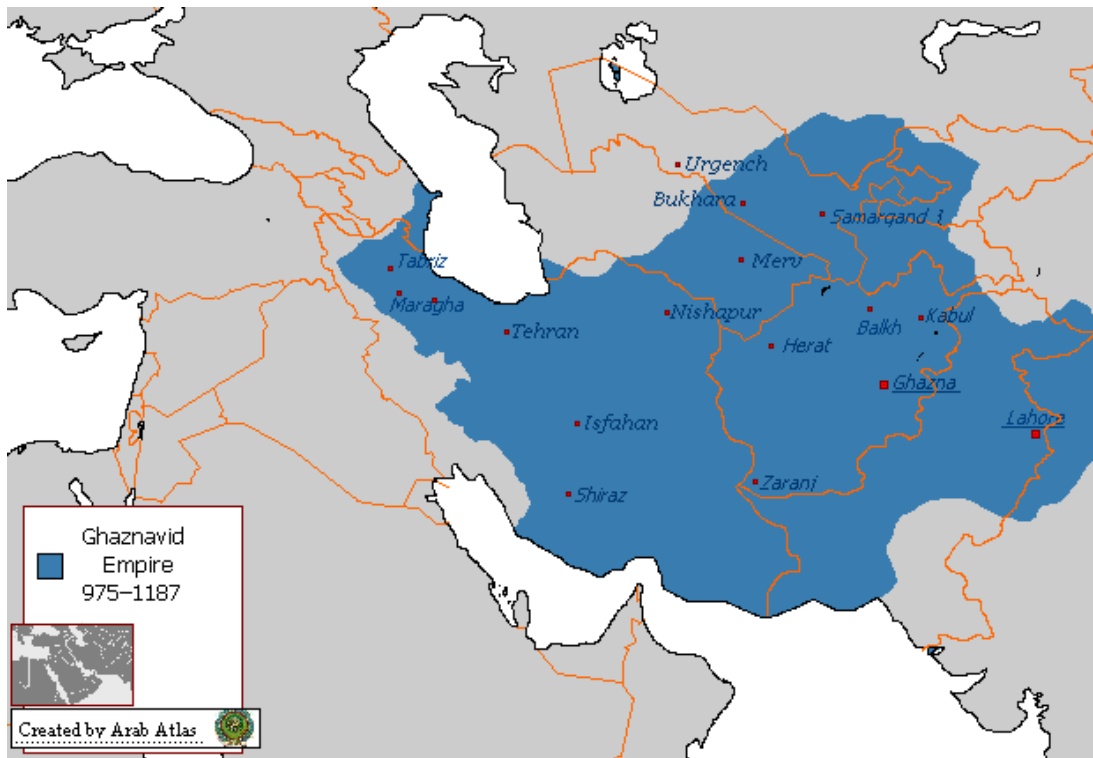
غزنوی ها



برگرداننده: انجنیر براتعلی فرهید

غزنوی ها یک سلسله اسلامی و فارس شده از مملوک [۱] های تورک تبار بودند که از ۹۷۵ تا ۱۱۸۷ حکمروایی داشته و بخش بزرگی از فارس، ترانزوکسانیا، و حصه شمالی شبه قاره هند را اداره میکردند. دولت غزنوی ها در غزنی، شهری در افغانستان کنونی، مرکزیت یافت. متأثر از سیاست و فرهنگ امپراطور سامانی، این تورک تباران کاملاً فارس شدند.

پایه گزار این سلسله سبکتگین که از طریق موفقیت پدرخوانده اش الپتگین، یک سرلشکر جدانشده از سلطنت سامانی برای حکومت در ساحه شهر غزنی بود. فرزند سبکتگین، سلطان محمود، امپراطوری را در منطقه یی تاسیس کرد که از دریای آمو الا دره سند و بحر هند و در غرب الاری و همدان امتداد داشت. این سلسله تحت اداره سلطان مسعود، با از دست دادن مناطق وسیعی تحت اداره اش را تجزیه کرد. ساحه غربی خود را به سلجوق در جنگ دندانقان [۲] از دست داد، در نتیجه این سلسله محدود به داشتن افغانستان، بلوچستان و پنجاب شد. در ۱۱۵۱، سلطان بهرام شاه، غزنی را به علاالدین حسین غوری باخت و پایتخت به لاهور انتقال داده شد تا اینکه توسط غوری ها در ۱۱۸۶ تصرف شد.



Ghaznavid Empire at its greatest extent امپراطوری غزنوی در بزرگترین وسعتش

رسیدن بقدرت

دو خانواده نظامی از غلام - نگهبان های تورک سامانی ، بنام سمجورید ها و غزنوی ها بروز کردند، که در آخر با عث بدبختی بزرگی برای سامانی ها شدند، به سمجورید ها [۳] امتیاز منطقه کوهستان واقع در شرق خراسان داده شد. الپتگین دولت غزنوی هارا زمانیکه خودرا در غزنه در ۹۶۲ مستقر ساخت، تاسیس کرد. او و ابوالحسن سمجوری، بحیث سر لشکرهای سامانی، با یکدیگر بر سر حکومت داری خراسان و کنترل امپراطوری سامانی رقابت کردند، با نشستن بر تخت امارت، زمانیکه عبدالملک اول در ۹۶۱ فوت کرد، میتوانستند بر منطقه مسلط شوند، اما زمانیکه امپراطور سامانی عبدالملک اول در ۹۶۱ م. فوت کرد، یک بحران حقوقی بین برادران عبدالملک بوجود آمد، یک مجلس قضائی توسط مردانی از طبقه تحصیل کرده - وزرای ملکی، فراخوانده شد، در مخالفت با جنرالهای تورکی کاندیدای الپتگین برای تاج و تخت سامانی رد شد. منصور اول تعیین و الپتگین منصرف شده زیرکانه بقرارگاه خود در غزنه برگشت. سمجورید به کنترل خراسان، جنوب آمو دریا، متمتع شد، اما توسط سومین سلسله بزرگ ایرانی بویهها [۴] ، تحت فشار قرار داده شده وقدرت آنرا نداشت که از همپاشی سامانی ها وظهور غزنوی ها جلوگیری کند.

مبارزه جنرال های غلام تورکی برای اداره تخت سلطنت بکمک تغییر اعتماد رهبران قضائی، سقوط سامانی هارا تسریع کرد . ضعف سامانی توجه تورکهای قزلوق [۵] در ترانسکسنیا [۶] را که تازه به اسلام گرویده بودند، بخود جلب کرد. آنها بخارا را در ۹۹۲ ، برای اینکه در ترانسکسنیا (شهر سبز فعلی. مترجم) سلسله قراخانی [۷] ویا الک خانی [۸] را بر پا کند، تصرف کردند. جانشین الپتگین، سبکتگین در غزنه روی کار آمده بود. فرزند سبکتگین، مبارزه جنرال های غلام تورکی برای اداره تخت سلطنت به کمک تغییر اعتماد رهبران محمود قرار دادی با قراخان ها بست ، قرار آن دریای اکسس (دریای آمو) بحیث بندر طبیعی شناخته شد.

تسلط

با تصرف زمین های سامانی و شاهی ، سبکتگین خود را صاحب تقریباً تمام افغانستان و پنجاب ساخت. در ۹۹۷، محمود فرزند سبکتگین، بعد از فوت پدر جانشین و با غزنی و سلسله غزنوی بطور دائمی یکی شد. تصرفات خود بر سامانی، زمین شاهی، دولت شاهی اسماعیلی ملتان، سند و همچنان قسمتی از ساحه بواهد را تکمیل کرد. تمام عهد طلائی و بزرگی امپراطوری غزنوی در حساب او شمرده شد. محمود ۱۷ اکتشافات بر شمال هند اجرا کرد، کنترل خود را برقرار کرده و دولت های خراج دهنده تعیین کرد. تجاوزات او همچنان منتج به چور و چپاول بزرگ شد. از مرز کردستان تا سمرقند، از بحیره کسپین تا یمونا، اوتوریتی خود را برقرار کرد.

ثروتی که از اکتشافات هند به غزنی آورده شد، بسیار زیاد بود. تاریخ نویسان آن زمان از قبیل ابوالفضل بیهقی، و شاعران بیشمار تشریحات درخشانی از شوکت پایتخت و پشتی بانی ادبی بزرگی از فاتحان کردند. محمود در ۱۰۳۰ وفات کرد. گرچه احیای بعضی ارزش های مهم تحت رهبری ابراهیم (۱۰۵۹ - ۱۰۹۹) صورت گرفت، اما امپراطوری هیچ گاه بمانند جلال و قدرت قبلی نرسید و بزودی زیر سایه سلجوقی ها افتاد.

سقوط

پسر محمود، مسعود ناتوان بود که چنان امپراطوری را حفظ کند و به تعقیب شکست شدید در جنگ دندانقان در ۱۰۴۰، تمام زمین های غزنوی را در ایران و آسیای مرکزی به سلجوقی ها باخت و پادشاهی را غرق " زمان مشکلات " ساخت. فرزند مسعود، ابراهیم، یک امپراطوری کوچک شده بر اساس محکم با رسیدن قرارداد صلح با سلجوقی ها برقرار و تشکیلات سیاسی و فرهنگی را دباره بکار انداخت. در زمان ابراهیم و جانشینش یک دورانی از آرامی دوامدار برای امپراطوری دیده شد. بریده شده از سرزمین غربی اش، جاگزین شدن بزرگی از ثروتمندان که از تجاوزات شمال هند ، جائیکه مقاومت شدید از جانب حکمرانان راجپوت از قبیل پرامارا [۹] از ملوا [۱۰] و وگهادوالا [۱۱] از کنوج [۱۲] صورت گرفت، بوجود آمده بود.

زمانیکه مسعود سوم با دعوی داخلی بین فرزندان در اخیر ظهور سلطان بهرام شاه، بحیث وازال سلجوقی در ۱۱۱۵ فوت کرد، نشانه هائی از ضعفی در دولت نمایان شد. سلطان بهرام شاه آخرین شاه حاکم بر غزنی بود.

علاوالدین حسین، شاه غوری، شهر غزنی را در ۱۱۵۱ برای انتقام گیری قتل برادرش تصرف کرد. همه شهر را خراب کرده و برای ۷ روز سوزاند بعد از این مشهور بجهان سوز شد. غزنی برای غزنوی ها دباره با مداخله سلجوق ها که بکمک بهرام آمدند، سر پا شد. جنگ غزنوی ها با غوری ها در سالهای بعدی دوام کرد، آنها تکه های از سرزمین غزنوی را جدا کرده و غزنی و زابلستان ، پیش از آنکه توسط غوری ها تصرف شود، به یک گروپ تورک های اغوز [۶] باخته شده . قدرت غزنوی ها در شمال هند ادامه یافت تا اینکه توسط خسرو ملک در ۱۱۸۶ تصرف شد.



سکه مسعود اول از غزنی، تقلید از دیزاین شاهی، با نام مسعود به عربی

میراث

امپراطوری غزنوی ها به اندازه رشد کرد که ایران، افغانستان، پاکستان، و شمال غرب هند کنونی را پوشاند، غزنوی ها بطور عموم مفتخر به بردن اسلام به هند مسلط به هندوئی شدند. علاوه از جمع آوری ثروت از طریق تجاوز به شهر های هند و گرفتن جزیه از راجاهای هند، غزنوی ها از موفقیت خویش بحیث میانجی در امتداد راهای تجارتی بین چین و مدیترانیا استفاده میبردند. آنها نتوانستند قدرت رابرای مدت زیادی نگاه دارند، و در ۱۰۴۰ سلجوق ها ساحة فارس شانرا گرفتند و قرن بعد سلجوق باقیمانده شبه قاره شانرا تصرف کرد.

فرهنگ

گرچه غزنوی ها منشأ تورکی داشتند و رهبر های نظامی شان همه از یک ذخیره گاه بودند، در نتیجه تشبثات سبکتگین و محمود در احوالات و محیط کلتوری سامانی ها، این سلسله کاملاً فارس شدند، لذا در عمل کسی حکومت شانرا در ایران و افغانستان نمیتواند یک تسلط خارجی فکر کند. در رابطه مسابقه کلتوری و پشتیبانی از اشعار فارسی، آنها بیشتر از رقبای بیات ایرانی اش، که ادبیات عربی را پشتی بانی میکردند، فارس بودند.

در حقیقت با بکاربرد اداره فارس ها و راهای فرهنگی، غزنوی ها گذشته منشأ تورکی خودرا دور انداخته و بیشتر به عنعنات فارس - اسلامی گرویدند.

۱ Mamluk ۲ Dandanaqan ۳ Simjurids ۴ Bsuwayhid ۵ Qarluq Turks

۶ Transoxania ۷ Qarakhanids ۸ Ilek Khanid ۹ Pramara ۱۰ Malwa

۱۱ Gahadvala ۱۲ Kannauj ۱۳ Oghuz Turks

منبع: ویکی پدیا (دانشنامه آزاد)